

جایگاه حقوق مالکیت معنوی در نظام بین‌المللی حقوق بشر

اردشیر امیرارجمند

دانشیار دانشگاه شهید بهشتی

محمد حبیبی مجنده

استادیار حقوق بین‌الملل دانشگاه مفید

تاریخ دریافت: ۸۴/۹/۲۲

تاریخ تأیید: ۸۴/۱۰/۲۷

چکیده

افزایش اهمیت حقوق مالکیت معنوی در سال‌های اخیر موجب طرح مسئله ارتباط این حقوق با حقوق بشر شده است. طرفداران حمایت قوی از مالکیت معنوی در تأیید موضع خود از گفتمان حقوق بشر سود می‌جویند. از سوی دیگر، نهادهای حقوق بشری که حمایت تشدید یافته از مالکیت معنوی را متأثرکننده بهره‌مندی از حقوق بشر می‌دانند معتقدند مالکیت معنوی را در قالب کنونی آن نمی‌توان در زمره حقوق بشر دانست. این مقاله سعی می‌کند به بررسی و تحلیل جایگاه حقوق مالکیت معنوی در نظام بین‌المللی حقوق بشر بپردازد. حق بهره‌مندی از حمایت از منافع اخلاقی و مادی ناشی از تولید علمی، ادبی یا هنری در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به رسمیت شناخته شده اما این حق، چنان‌که باید مورد توجه قرار نگرفته و ابعاد مختلف آن بررسی نشده است. مقاله حاضر با تحلیل اعلامیه و میثاق در صدد اثبات این دیدگاه است که مالکیت معنوی حقی بشری است و دولت‌ها تعهداتی در حمایت از آن بر دوش دارند. اما قلمرو حمایت از مالکیت معنوی باید با عنایت به سایر حق‌های بشری ترسیم شود. واژگان کلیدی: حقوق مالکیت معنوی، حقوق بشر، تولید علمی، ادبی و هنری.

مقدمه

شناخت جایگاه حقوق مالکیت معنوی در نظام بین‌المللی حقوق بشر، نیازمند مراجعه به منابع این نظام است. بحث تفصیلی در مورد منابع نظام حقوق بشر، مدنظر ما نیست (Simma and Alston, 1988-1989:82). امروزه توافق عمومی وجود دارد که بنای هنجاری نظام بین‌المللی حقوق بشر بر دوش چهار ستون اصلی از اسناد میان‌دولتی استوار است (Steiner and Alston, 2000:140-141) که به ترتیب ظهور زمانی عبارت‌اند از:

- ۱- منشور سازمان ملل متحد که هر چند در سر مناره این بنا واقع شده، مقررات نسبتاً اندکی در باب حقوق بشر دارد، ولی همین مقدار اندک نیز اهمیت فراوانی داشته و نقطه عزیمت بسط و توسعه ابداع‌گرانه نظام حقوق بشر بوده است.
- ۲- اعلامیه جهانی حقوق بشر که به مثابه انجیل و قانون اساسی و نقطه ارجاع کل جنبش جهانی حقوق بشر تلقی می‌گردد.

۳- دو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که طیف گسترده‌ای از حق‌های بشری را به نظم کشیده‌اند و علاوه بر این که به بسط و تشریح بیشتر حق‌هایی که در اعلامیه جهانی ذکر شده می‌پردازند، حق‌های دیگری را در بر می‌گیرند. این دو میثاق در کنار اعلامیه جهانی حقوق بشر، مجموعه‌ای را رقم می‌زنند که به "منشور بین‌المللی حقوق" شهرت دارد.

۴- تعداد زیادی از معاهدات چندجانبه حقوق بشری و سیلی از قطعنامه‌ها و اعلامیه‌های ملل متحد که در مقایسه با منشور بین‌المللی حقوق، قلمرو محدودتری دارند، به تفصیل بیشتر و افزودن بر محتوای موجز میثاق‌ها پرداخته‌اند.

این چهار ستون اصلی را می‌توان به دو ستون تقلیل داد: اعلامیه جهانی حقوق بشر و مجموعه معاهدات بین‌المللی حقوق بشری. به این ترتیب باید دید حقوق مالکیت معنوی چه جایگاهی در اعلامیه جهانی و معاهدات حقوق بشری دارد. ماده ۲۷ اعلامیه جهانی، حق هر انسانی را به بهره‌مندی از آن چه امروزه مالکیت معنوی خوانده می‌شود به رسمیت می‌شناسد. اما آیا در معاهدات حقوق بشری هم حقی به نام مالکیت معنوی مورد شناسایی قرار گرفته است؟ باید گفت در مجموعه این معاهدات، اصطلاح مالکیت معنوی وجود ندارد، ولی این بدان معنا نیست که این معاهدات نسبت به حقوق مالکیت معنوی سکوت کامل اختیار کرده‌اند. در یک معاهده عام حقوق بشری یعنی میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به صراحت چنین حقی به رسمیت شناخته شده است. در برخی معاهدات منطقه‌ای هم از حق مالکیت به طور کلی نام برده شده است (Brownlie, 2001) و چنانچه مالکیت معنوی را نوعی از مالکیت به حساب آوریم، می‌توان آن را مشمول حمایت این معاهدات دانست. اما چون بحث ما در خصوص نظام بین‌المللی حقوق بشر می‌باشد، فقط به میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محدود خواهیم بود. اکنون نگاهی از نزدیک به آن چه در اعلامیه جهانی و میثاق وجود دارد می‌اندازیم تا ببینیم مالکیت معنوی چگونه و تا چه اندازه در این اسناد مورد حمایت قرار گرفته است.

۱- اعلامیه جهانی حقوق بشر

ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر چنین می‌گوید: «(۱) هر کس حق دارد آزادانه در حیات فرهنگی جامعه مشارکت کند، از هنرها بهره‌مند شود و در پیشرفت علمی و منافع آن سهیم شود. (۲) هر کس نسبت به حمایت از منافع اخلاقی و مادی ناشی از هر تولید علمی، ادبی یا هنری که آفریننده آن است، حق دارد.»

در این ماده سه حق به هم مرتبط ذکر شده است: مشارکت در حیات فرهنگی؛ سهیم شدن در

پیشرفت علمی و منافع آن؛ و بهره‌مندی از منافع اخلاقی و مادی ناشی از تولید علمی، ادبی یا هنری. از آن جا که مفاد این ماده با تغییری اندک در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تکرار شده است، بررسی حق‌های گوناگون مندرج در این ماده را کمی بعد انجام خواهیم داد. آن چه در این جا می‌خواهیم به آن اشاره کنیم این است که هر چند اعلامیه جهانی از اصطلاح مالکیت معنوی استفاده نمی‌کند، مسلماً بند ۲ ماده ۲۷ را می‌توان شناسایی‌کننده حقوق مالکیت معنوی به عنوان حق بشری محسوب داشت. لحن این بند به گونه‌ای است که از حق هر انسانی نسبت به منافع ناشی از تولید علمی، ادبی یا هنری که آفریننده آن است، سخن می‌گوید. در خصوص اعلامیه جهانی، این سؤال اساسی مطرح است که آیا همه مقررات یا حق‌ها و آزادی‌های مقرر در اعلامیه به طور یکسان مورد توجه جامعه جهانی قرار گرفته است یا بعضی از مواد آن پذیرش بیش‌تری داشته است. به عبارت دیگر، آیا همه آن چه در اعلامیه بیان شده، بر همه دولت‌ها الزامی می‌باشد؟

بی‌تردید اعلامیه جهانی به هنگام تصویب در مجمع عمومی، سندی الزامی تلقی نمی‌شده است (Hannum, 1996: 319) ولی در مورد وضعیت حقوقی فعلی اعلامیه، کشورها و حقوق‌دانان نظرات متفاوتی دارند. بعضی معتقدند کل مقررات اعلامیه به عرف بین‌المللی تبدیل شده و بر همه کشورها الزامی می‌باشد (Humphrey, 1979: 529 & Sohn, 1977: 133). بعضی حتی فراتر رفته و اعلامیه جهانی را در کل، حاوی قواعد آمره^۲ دانسته‌اند (Hannum, 325). نظر معتدل‌تر این است که اکثر حق‌ها و آزادی‌های اعلامیه به عرف تبدیل شده است ولی نه همه آنها. فیلیپ آلستون معتقد است "مجموعه بزرگ و فزاینده‌ای از ادله و شواهد" وجود دارد که مؤید این گزاره است که حداقل ۲۱ ماده اول اعلامیه، جزئی از حقوق عرفی است (Ibid: 324). باید گفت در این که برخی مقررات اعلامیه به حقوق عرفی تبدیل شده و خصلت الزامی یافته، ظاهراً تردیدی وجود ندارد. اما آیا این مقررات، شامل بند ۲ ماده ۲۷ نیز می‌شود؟ شواهد چندانی بر این امر در دسترس نیست، بلکه می‌توان عدم توجه به حقوق مالکیت معنوی در نهادهای حقوق بشری را شاهدهی خلاف دانست. با این حال، اعتبار مقدس‌گونه اعلامیه و تدوین بند ۲ ماده ۲۷ آن در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شاید بتواند جبران‌کننده این بی‌توجهی باشد. وانگهی، مگر همه مقررات اعلامیه تاکنون به طور مساوی مورد توجه مراجع بین‌المللی حقوق بشر قرار گرفته است؟ به نظر ما حقوق مالکیت معنوی را می‌توان به موجب اعلامیه جهانی، در زمره حقوق بشر دانست. ولی همه سخن در این است که اعلامیه در زمینه محتوای این حق‌ها و تعهدات ناشی از آنها بر دولت‌ها، حرفی برای گفتن ندارد. اکنون به میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نظر می‌کنیم تا ببینیم این ابهام‌ها تا چه اندازه قابل رفع می‌باشد.

۲- میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تنها معاهده حقوق بشری است که حقوق مالکیت معنوی را به رسمیت می‌شناسد. در بند اول ماده ۱۵ میثاق آمده است: «دولت‌های طرف میثاق حاضر، حق هر کس را نسبت به امور ذیل به رسمیت می‌شناسند: الف) مشارکت در حیات فرهنگی؛ ب) بهره‌مندی از منافع پیشرفت علمی و کاربردهای آن؛ ج) برخورداری از حمایت از منافع اخلاقی و مادی ناشی از هر تولید علمی، ادبی یا هنری که آفریننده آن هستند».

چنان که پیداست این بند از ماده ۱۵ میثاق، معجونی از چند حق متفاوت است^۳ که دولت‌ها متعهد به شناسایی آنها نسبت به همه انسان‌ها شده‌اند. آن چه در فقره ج به عنوان حقوق مالکیت معنوی بیان شده، برجستگی چندانی در این معجون ندارد. تحلیل حق‌های سه‌گانه ماده ۱۵ و تفسیر فقره ج به طور خاص، مؤید چنین استنباطی است. در این جا نخست، نگاهی مختصر به هر کدام از این حق‌ها می‌افکنیم و آن‌گاه به تفسیر و تحلیل محتوای فقره ج و تعهد دولت‌ها در قبال آن می‌پردازیم.

۲-۱- حق مشارکت در حیات فرهنگی

اولین حقی که در فقره الف بند ۱ ماده ۱۵ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی وجود دارد، حق مشارکت در حیات فرهنگی است. اما، منظور از حیات فرهنگی و حق مشارکت در آن چیست؟ کلمه "فرهنگ" در معانی گوناگونی به کار می‌رود (Encyclopedia Americana, 1975: 315; Encyclopedia Britanica, 1976: 197) و فرهنگ دهخدا، ص ۱۵۱۰۹؛ در مقدمه اعلامیه جهانی یونسکو در مورد تنوع فرهنگی گفته شده است که «فرهنگ را باید مجموعه‌ای از ویژگی‌های معنوی، مادی، فکری و احساسی متمایز یک جامعه یا گروهی اجتماعی دانست که علاوه بر هنر و ادبیات، شامل سبک زندگی، شیوه زندگی با یکدیگر، نظام‌های ارزشی، سنت‌ها و عقاید می‌شود» (UNESCO, 2002). در مجموع، سه معنای متمایز ولی هم‌پوش برای "فرهنگ" را می‌توان مورد توجه قرار داد. در مفهوم اهل ذوق و هنر، فرهنگ به دسته‌ای از دستاوردهای فکری ظریف بشری چون هنر، ادبیات، موسیقی، تئاتر، معماری و امثال آن اطلاق می‌شود که حرفه طبقات خاصی از انسان‌هاست. در مفهومی متکثرتر، فرهنگ، در برگیرنده تمام محصولات و تجلیات قابلیت‌های خلاق و ابرازی (بیانی)^۵ است که نه تنها فرهنگ "عالی"^۶ به مفهوم اول، که پدیده‌هایی توده‌ای تر مثل تلویزیون و رادیوی تجاری، مطبوعات، موسیقی معاصر و مردمی، صنایع دستی و ورزش‌های سازمان‌یافته را هم شامل می‌شود. فرهنگ به مفهوم مردم‌شناختی، نه فقط محصولات یا فرآورده‌های خلاقیت و بیان (در دو مفهوم بالا) بلکه الگوی فکری اساسی و ویژه یک جامعه و به عبارتی "شیوه زندگی"^۷ و روش و منش آن را که جهت‌دهنده تجلیات فوق و

سایر جلوه‌های اجتماعی است، در بر می‌گیرد (O'Keefe, 1998: 905).

بعضی هم با نظر به همین مفهوم اخیر، حیات فرهنگی را هر چیزی دانسته‌اند که زندگی انسانی را شایسته زیستن می‌کند، چراکه فرهنگ، چیزی است که جامعه بشری را از جمع حیوانات جدا می‌کند. در این مفهوم از فرهنگ، حق مشارکت در فرهنگ، عبارت کوتاه شده‌ای است که بسیاری از حقوق بشر را در بر می‌گیرد. در این معنا، آزادی بیان، آزادی دین، آزادی تشکل، حق تعیین سرنوشت، حق آموزش و پرورش، حق دریافت اطلاعات، حق انتخاب هویت، و حق استفاده از زبان انتخابی خود، همگی تحت عنوان "حقوق فرهنگی" جای می‌گیرند (Adalsteinsson & Thorhallson, 576). "توصیه نامه" یونسکو، در زمینه "مشارکت عموم مردم و سهم آنان در حیات فرهنگی" هم نگاهی فراگیر به مفهوم فرهنگ داشته و آن را "جزئی لاینفک از حیات اجتماعی" و "ماهیتاً پدیده‌ای اجتماعی" معرفی می‌کند که از "مشارکت و همکاری افراد در فعالیت‌های خلاق سرچشمه می‌گیرد" (UNESCO, 1976). در هر صورت، مشارکت در حیات فرهنگی نقشی اساسی در توسعه شخصیت انسانی و رشد و شکوفایی ارزش‌ها و توانایی‌های فردی دارد. این مشارکت به عنوان حقی بشری، دارای دو بعد به هم مرتبط و مکمل یکدیگر است: بعد بهره‌مندی از خلاقیت‌های فرهنگی که دیگران تولید و عرضه می‌کنند و بعد خلق آثار هنری و افزودن به سرمایه، داشته‌ها و تولیدات فرهنگی. بنابراین، حق مشارکت در حیات فرهنگی به معنای امکان دسترسی به فرهنگ و آزادی در فعالیت‌های بارورکننده فرهنگی است.

در توصیه‌نامه یونسکو، به چهره دوگانه این حق پرداخته شده است: «الف) منظور از دسترسی به فرهنگ، فرصت‌های عینی و ملموسی است که به طور خاص با ایجاد شرایط اجتماعی - اقتصادی مناسب، در اختیار همگان قرار می‌گیرد تا آزادانه به کسب اطلاعات، آموزش عملی، دانش و فهم و برخورداری از ارزش‌های فرهنگی و اموال فرهنگی بپردازند؛ ب) منظور از مشارکت در حیات فرهنگی، فرصت‌هایی عینی است که در اختیار همگان - گروه‌ها و افراد - قرار می‌گیرد تا آزادانه [مکنونات] خویش را ابراز دارند، ارتباط برقرار سازند و با هدف توسعه کامل شخصیت خود، زندگی سازوار و هماهنگ و پیشرفت فرهنگی جامعه، به فعالیت‌های خلاق دست یازند» (Ibid: 30). با آن که حق مشارکت در حیات فرهنگی، ابعاد و پیامدهای زیادی در حوزه‌های مختلفی چون حق تعیین سرنوشت فرهنگی، حق بر زبان، حقوق اقلیت‌های بومی زبانی، جوامع مهاجر، حقوق افراد معلول، حفاظت و توسعه فرهنگ‌ها دارد^۸، در این جا به ذکر این نکته بسنده می‌کنیم که این حق، دولت‌ها را ملزم می‌سازد تا امکان دسترسی افراد به تولیدات فکری و نیز شرایط لازم برای تشویق این خلاقیت‌ها را فراهم سازند.^۹

الزام و تعهدی که به موجب حق مشارکت در حیات فرهنگی در دو دامنه دسترسی به آثار و فعالیت‌های فرهنگی و شرکت در ایجاد این آثار و ارزش‌ها بر دولت‌های عضو میثاق وجود دارد، محتوایی بسیار گسترده و متناسب با محتوای اصل این حق خواهد داشت. بعدها به تحلیل بیشتر محتوای این تعهد خواهیم پرداخت.

۲-۲- حق بهره‌مندی از منافع پیشرفت علمی و کاربردهای آن

حق دومی که در بند ۱ ماده ۱۵ میثاق برای همه انسان‌ها در نظر گرفته شده، حق بهره‌مندی از پیشرفت علمی است. اما محتوای این حق چه می‌تواند باشد؟ و تعهدی که بر دوش دولت‌های عضو در تأمین این حق وجود دارد، تعهد به چه چیزهایی است؟ در مورد محتوای حق می‌توان گفت آن چه از این فقره از ماده ۱۵ بر می‌آید، این است که هر انسانی حق دارد از مزایا، منافع و تسهیلاتی که پیشرفت‌های علمی و فن‌آوری در حل مشکلات گوناگون زندگی و توانمند ساختن انسان در مبارزه با انواع بیماری‌ها و بالابردن استانداردهای زندگی در اختیار می‌گذارد، بهره‌مند شود. به عبارت دیگر، بعد انفعالی این حق، استحقاق سود بردن از دستاوردهای علمی است که با زحمت و تلاش دیگران حاصل شده و ممکن است خود فرد در ایجاد آنها نقشی نداشته باشد. اما خود پیشرفت علمی نیازمند فضای آزاد تحقیق و پژوهش و وجود آزادی علمی است. به همین دلیل، در بند ۳ ماده ۱۵ در ضمن برشمردن محتوای تعهداتی که کشورهای عضو میثاق در تحقق حق مندرج در بند ۱ بردوش دارند گفته شده است که «دولت‌های عضو میثاق حاضر، متعهد می‌شوند آزادی‌گیرناپذیر برای تحقیقات علمی و فعالیت خلاق را محترم دارند». از این گذشته، پیشرفت در عرصه علم مستلزم توسعه دانش، ترویج و عمومی ساختن جریان علم‌آموزی است. توزیع و پخش دانش علمی، به تنویر افکار انسان‌ها و ارتقای سطح زندگی می‌انجامد. باز از همین روست که در بند ۲ ماده ۱۵ آمده است: «اقداماتی که دولت‌های عضو میثاق حاضر باید برای نیل به تحقق کامل این حق [مذکور در بند ۱] اتخاذ کنند شامل اقداماتی خواهد شد که برای حفظ، توسعه و نشر علم و فرهنگ ضرورت دارد». بنابراین، حق بهره‌مندی از پیشرفت علمی و کاربردهای آن، محتوایی چند لایه دارد و نمی‌توان آن را دارای بعدی صرفاً انفعالی دانست، بلکه در تحلیل دقیق‌تر وجهی فعال به معنای استحقاق در اختیار داشتن فضای مساعد تحقیق و پژوهش، دسترسی به امکانات نوین آموزشی و پژوهشی و در دسترس بودن نتایج تحقیقات علمی و اطلاع از اندیشه‌های نو و مبادله یافته‌های علمی تازه دارد. نکته دیگری که در مورد حق بهره‌مندی از منافع پیشرفت علمی می‌توان گفت این است که این حق عاملی تعیین‌کننده در برخورداری از برخی حقوق دیگر مثل حق بر تغذیه و حق بر سلامتی می‌باشد.

اما در خصوص محتوای تعهد دولت‌های عضو در قبال تأمین این حق، کافی است به رهنمودهای

کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اشاره شود. در این رهنمودها، از کشورهای عضو خواسته شده است اقداماتی را که برای تحقق حقوق مندرج در میثاق انجام داده‌اند در گزارش‌هایی که جهت بررسی به کمیته تقدیم می‌کنند^{۱۰} منعکس سازند. در خصوص حق بهره‌مندی از پیشرفت علمی، از دولت‌های عضو درخواست شده است نسبت به قوانین و سایر اقداماتی که به منظور تأمین این حق اتخاذ کرده‌اند اطلاعاتی در اختیار کمیته قرار دهند. این اقدامات به ویژه شامل اقدامات مربوط به تضمین کاربرد پیشرفت علمی در جهت منافع همگان، حفظ میراث طبیعی بشری و توسعه محیط زیست سالم و پاک، ایجاد زیرساخت‌های نهادی، گسترش اطلاعات مربوط به پیشرفت علمی، جلوگیری از استفاده از پیشرفت علمی و فنی برای مقاصدی که با بهره‌مندی از تمام حقوق بشری، از جمله حق حیات، بهداشت، آزادی شخصی و حریم خصوصی و امثال آن مغایرت دارد، می‌شود.

در این رهنمودها، در خصوص بند ۳ ماده ۱۵ هم از دولت‌های عضو خواسته شده است توصیفی از نظام حقوقی، اداری و قضایی که برای احترام و حمایت از آزادی لازم برای تحقیق علمی و فعالیت خلاق، طراحی کرده‌اند ارائه کنند و به ویژه نسبت به اقدامات ذیل اطلاعاتی جهت بررسی در اختیار کمیته قرار دهند: «الف) اقدامات مربوط به گسترش بهره‌مندی از این آزادی، شامل ایجاد کلیه شرایط ضروری برای تحقیق علمی و فعالیت خلاق؛ ب) اقدامات مربوط به تضمین آزادی تبادل اطلاعات علمی، فنی و فرهنگی، دیدگاه‌ها و تجربیات میان دانشمندان، نویسندگان، کارآفرینان خلاق، هنرمندان و سایر افراد مبتکر و نهادهای ذیربط آنان؛ ج) اقداماتی که برای حمایت از انجمن‌های علمی، آکادمی‌های علوم، انجمن‌های حرفه‌ای، اتحادیه‌های کارگری و سایر سازمان‌ها و نهادهای درگیر تحقیق علمی و فعالیت‌های خلاق صورت گرفته است» (General Comment No. 1).

۲-۳- حق بر حمایت از منافع اخلاقی و مادی ناشی از هر تولید علمی، ادبی یا هنری

فقره ج بند یک ماده ۱۵ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به شناسایی حقی می‌پردازد که به حقوق مالکیت معنوی معروف است، هرچند در این فقره چنین اصطلاحی به کار برده نشده است. شاید بتوان علت عدم استفاده از این اصطلاح را، متداول نبودن آن به هنگام تدوین میثاق دانست.^{۱۱} با توجه به این که در خود این فقره، به صراحت، ابعاد حق پدیدآورندگان آثار علمی، ادبی و هنری به حمایت از منافع اخلاقی و مادی ناشی از آثار آنان، روشن نشده است، چاره‌ای جز دست یازیدن به عملیات تفسیر نخواهد بود.^{۱۲} به این منظور، ابتدا نگاهی به مباحثی که در خلال تدوین این فقره صورت گرفته می‌اندازیم. سپس به تشریح مفاهیم کلیدی به کار رفته در فقره می‌نشینیم و در نهایت در خصوص تعهدات دولت‌های عضو تأمل خواهیم نمود.

۲-۳-۱- تدوین فقره مالکیت معنوی در میثاق

فقره مالکیت معنوی در بند ۱ ماده ۱۵، برخلاف فقره الف (حق مشارکت در حیات فرهنگی) و فقره ب (حق بهره‌مندی از نتایج پیشرفت علمی و کاربردهای آن) به سختی راه خود را در میثاق گشوده است. داستان تدوین دو میثاق و مسیر نسبتاً طولانی و پرافت و خیز آن، معروف و آشناست (نک: Craven, 1998:16-22) جالب است که این فقره در متن پیش‌نویس میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که توسط کمیسیون حقوق بشر تهیه شده بود وجود نداشت و تنها در سال ۱۹۵۷ یعنی سه سال پس از تکمیل کار کمیسیون، در کمیته سوم مجمع عمومی وارد متن پیش‌نویس گردید (Green, 2000: para 3). کمیسیون حقوق بشر در جلسات هفتم و هشتم خود به ترتیب در ماه مه ۱۹۵۱ و مه ۱۹۵۲ به بحث از فقره مالکیت معنوی پرداخته است. در هر دو جلسه کمیسیون، بحث‌های شدیدی در مورد گنجاندن فقره مالکیت معنوی درگرفته است. مبنای بحث در جلسه هفتم کمیسیون، متن پیشنهادی یونسکو بود (E/CN.4/AC.14/2: 3)، اعضای کمیسیون به دو گروه عمده موافق و مخالف تقسیم شدند. هیأت نمایندگی یونسکو که طراح این بند بود، اعتقاد داشت: «شناسایی حقوق پدیدآوردندگان [مؤلفان]، باید جایگاهی در میثاق داشته باشد، چرا که این حقوق در حال حاضر، در اعلامیه جهانی وجود دارد و به منزله حمایت و تشویق کسانی خواهد بود که پیوسته میراث فرهنگی بشریت را غنا می‌بخشند. فقط با چنین ابزاری می‌توان مبادلات فرهنگی بین‌المللی را به نحو کامل توسعه داد» (Green, para: 21). هیأت نمایندگی فرانسه که به شدت مدافع عبارت مربوط به حقوق پدیدآوردگان بود، عقیده داشت: «عبارات ذیربط ... صرفاً تأکیدی بر این است که منافع اخلاقی و مادی اشخاصی که در حیات فرهنگی و علمی مشارکت می‌کنند، باید حفاظت شود» (Ibid: 23). اما در جبهه مخالف، الینور روزولت، به نمایندگی از ایالات متحده گفته است: «موضوع کپی رایت نباید در میثاق مطرح شود، زیرا این مسئله فعلاً توسط یونسکو در دست مطالعه است ... تا زمانی که تمام پیچیدگی‌های موضوع به طور همه‌جانبه مطالعه نشده، وضع اصلی کلی در این خصوص و درج آن در میثاق، ممکن نخواهد بود» (Ibid: 24). از سوی دیگر، هیأت نمایندگی شیلی هم در مخالفت گفته است: «با آن که این حمایت ... در برخی شرایط و در دوران خاصی از حیات ملت‌ها مفید است ولی موضوعی نیست که به حق بنیادی بشری مربوط باشد» (Ibid). به این ترتیب، طرح پیشنهادی یونسکو در خصوص حمایت از حقوق مالکیت معنوی، به تصویب نرسید (Ibid: 25).

در جلسه هشتم کمیسیون هم بحث‌هایی مشابه، و این بار با شدت بیشتر در زمینه گنجاندن حمایت از مالکیت معنوی در میثاق جداگانه مربوط به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، جریان یافت. در این جلسه، متن پیشنهادی، متعلق به هیأت نمایندگی فرانسه بود. نماینده فرانسه در توجیه

پیشنهاد خود، گفته بود: « میثاق پیش‌نویس، حاوی مقرراتی در خصوص حمایت از اموال و درآمدهای کارگران حرفه‌ای است و بنابراین باید با بندی برای حمایت از منافع اخلاقی و مادی ناشی از تولید علمی، ادبی یا هنری تکمیل گردد ... مسئله فقط به حقوق مادی بر نمی‌گردد: دانشمند و هنرمند، نسبت به حمایت از اثر خود، مثلاً در مقابل سرقت و دزدی ادبی، تحریف و استفاده بدون مجوز، حتی اخلاقی دارند (Ibid: 27). هیأت‌های نمایندگی ایالات متحده، انگلیس و یوگسلاوی، در مخالفت اظهار می‌داشتند که این مسئله باید در جای دیگری بحث شود. یونسکو با آن که پیچیده بودن موضوع را قبول داشت، معتقد به مطلوب بودن درج چنین حمایتی در میثاق بود (Ibid: 28). در این جلسه، دیدگاه‌های تازه‌تری هم در مخالفت با موضوع مطرح گردید. نمایندگان مصر و استرالیا معتقد بودند که «پیش‌بینی حمایت از پدیدآورنده بدون در نظر گرفتن حقوق جامعه، درست نمی‌باشد» (Ibid: 30). به هر حال، عبارت و فراز مربوط به حقوق مالکیت معنوی در نشست هشتم کمیسیون نیز رد شد (Ibid: 31). ماده پیش‌نویسی که در این نشست، نهایی شد و به مجمع عمومی ارسال گردید، همان ماده ۱۵ کنونی میثاق، منهای فقره ج بند ۱ و بند ۴ می‌باشد (Ibid: 32). مجمع عمومی، متن پیش‌نویس دو میثاق را جهت بررسی به کمیته سوم ارجاع داد. در این جا هم در خصوص فقره الف (حق مشارکت در حیات فرهنگی) و فقره ب (حق انتفاع از پیشرفت علمی و کاربردهای آن) مخالفتی بروز نکرد. اما بحثی از همان جنسی که در کمیسیون حقوق بشر در مورد گنجاندن حمایت از آثار علمی، ادبی و هنری درگرفته بود، از نو آغاز گردید. اما فضای حاکم بر کمیته سوم مجمع عمومی، به سبب تحولاتی که در جامعه جهانی رخ داده بود، فضایی متفاوت بود: تصویب کنوانسیون جهانی کپی رایت، بالا رفتن اقتدار اعلامیه جهانی و غلیظتر شدن بلوک‌بندی شرق و غرب در چله آغازین جنگ سرد از جمله این تحولات بود. در نهایت، فقره ج بند ۱ ماده ۱۵ فعلی میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کمیته سوم به تصویب رسید. (Ibid: 41)

۲-۳-۲- تفسیر محتوای فقره ج بند ۱ ماده ۱۵ میثاق

فقره ج با توجه به صدر بند ۱ تعهدی بر دوش دولت‌های عضو می‌نهد تا از منافع اخلاقی و مادی ناشی از تولید علمی، ادبی یا هنری حمایت کنند و این حمایت را در اختیار پدیدآورندگان چنین تولیداتی قرار دهند. اما در این فقره مشخص نشده است «منافع اخلاقی و مادی» که باید مورد حمایت قرار گیرند، چه منافی هستند و چگونه از تولید علمی، ادبی یا هنری «نشئت» می‌گیرند و اصلاً منظور از «تولید علمی، ادبی یا هنری» چیست و دولت‌های عضو چگونه باید از این منافع «حمایت» کنند و بالاخره «آفریننده» یا پدیدآورنده، چه شخصی است؟ ما در این جا برای روشن ساختن این ابهام‌ها، محور بررسی خود را همان تعهد دولت‌ها به در اختیار نهادن «حمایت» قرار می‌دهیم: این حمایت متضمن چه چیز یا چیزهایی می‌تواند باشد؟ موضوع یا آن چه حمایت به آن تعلق گرفته،

چیست؟ و ذی‌نفع حمایت کیست؟ بنابراین تحلیل، نقاط کور در فقره مورد بحث عبارت‌اند از: چیستی حمایت، متعلق و ذی‌نفع آن. اجازه دهید این ابهام‌زدایی را با ترتیبی وارونه آغاز کنیم.

۲-۳-۱- ذی‌نفع حق بشری فقره ج بند ۱ ماده ۱۵ میثاق

دارنده حق بشری موضوع فقره ج، "آفریننده"^{۱۳} تولید علمی، ادبی یا هنری است و منافع حاصل از تولید او باید مورد حمایت قرار گیرد. اما همین مقدار، مشکل ابهام فقره را در خصوص ذی‌نفع حق مورد بحث برطرف نمی‌سازد: معیارهای پدیدآورندگی و آفریننده بودن چیست؟ به عبارت دیگر، برای آن که کسی آفریننده تولیدی علمی، ادبی یا هنری باشد، چه اندازه باید در پیدایش آن سهم داشته باشد؟ آیا فقط مؤلفان و هنرمندان، آفریننده چنین تولیدی و در نتیجه دارنده چنین حقی هستند یا مخترعان نیز در این دسته قرار می‌گیرند؟ اصلاً تولید علمی، ادبی یا هنری به چه معناست؟ آیا اشخاصی که در نظام‌های ملی و بین‌المللی مالکیت معنوی به عنوان دارندگان کپی رایت یا حقوق مؤلفان و دارندگان حق اختراع شناخته می‌شوند، همگی در زمره دارندگان حق بشری مورد حمایت در فقره ج بند ۱ ماده ۱۵ میثاق جای می‌گیرند؟ آیا کارفرمایان می‌توانند مدعی این حق بشری شوند؟ آیا این حق بشری، قابل واگذاری و انتقال می‌باشد تا انتقال‌گیرندگان هم از آن منتفع شوند؟ آیا این حق می‌تواند به اشخاص حقوقی، گروه‌هایی از اشخاص حقیقی یا حتی جوامع هم تعلق داشته باشد؟

به راحتی نمی‌توان به این سؤال‌ها پاسخ داد. به نظر ما، پاسخ سؤال‌های بالا، در اطراف دو مفهوم کلیدی در گردش است: "آفریننده" و "تولید علمی، ادبی یا هنری". از این رو، این دو مفهوم را بررسی می‌کنیم.

۲-۳-۱- آفریننده

کلمه "آفریننده" در فقره ج را می‌توان مضیق یا موسع تفسیر کرد. در تفسیر مضیق، این کلمه به معنای فردی انسانی یا شخص حقیقی است که با خلاقیت فکری، تولیدی علمی، ادبی یا هنری به وجود می‌آورد (۱). محدود بودن این تفسیر در تضیق دایره معنایی کلمه آفریننده از حیث "شخص" خلق‌کننده تولید است: شخص حقیقی. اما همین معنای محدود را باز می‌توان محدودتر کرد و این بار از حیث آن چه تولید می‌شود، آن را به شخص حقیقی‌ای اطلاق کرد که آفرینشی از آن نوع که در نظام حقوقی کپی رایت یا حقوق مؤلفان مورد حمایت قرار گرفته، خلق می‌کند (۲). در تفسیر موسع، کلمه آفریننده، دست کم از دو جهت، معنایی گسترده پیدا می‌کند. از یک جهت، دربرگیرنده شخصی، اعم از حقیقی یا حقوقی است که محصولی علمی، ادبی یا هنری می‌آفریند (۳). از جهت دیگر، آفریننده، هر شخصی است که در پیدایش تولیدی علمی، ادبی یا هنری سهم شده و مشارکت

داشته است (۴). معنای (۱) را معنای "محدود"، (۲) را معنای "محدودتر"، (۳) را معنای "وسیع" و (۴) را "وسیع‌تر" می‌نامیم. توجه این شکافت مفهومی به این صورت است که تولیدی که در عرصه علم، ادب یا هنر، خلق می‌شود، نتیجه و محصول فعالیت خلاق فکری انسان است. اما این خلاقیت، گاه از انسان‌ها در کسوت فردی، بروز می‌کند و گاه در هیأت جمعی. صورت اول که شکل سنتی آفرینش فکری است، شامل نویسنده منفرد یک کتاب، مقاله و یا نوشته‌ای دیگر، سراینده یک قطعه شعر، آهنگ‌ساز، پیکرتراش، معمار، مخترع و امثال آنان می‌شود که به تعبیری، اگر خلاقیت فردی آنان نبود، تولیدی به وجود نمی‌آمد. در صورت دوم، مجموعه‌ای از افراد انسانی در خلق تولیدی علمی، ادبی یا هنری مشارکت می‌کنند. این صورت که شکل نوین آفرینش فکری است، خود به دو صورت قابل تحلیل است: صورت اول، شامل مواردی می‌شود که چند فرد انسانی به تألیف یک کتاب و امثال آن، ساختن یک فیلم، اختراع علمی و غیره همت می‌گمارند. صورت دوم، شامل مواردی است که در مجموعه کسانی که به پیدایش تولید کمک کرده‌اند، فرد یا شخصی وجود دارد که مشارکت او از نوع خلاقیت فکری نیست بلکه از نوع کمک مالی، تأمین هزینه، در اختیار گذاشتن ابزار، تجهیزات و امکانات یا هدایت پروژه تولیدی است.

حال باید دید کلمه "آفریننده" در فقره ج بند ۱ ماده ۱۵ میثاق کدامیک از معانی ۱ - ۴ را شامل می‌شود. به نظر می‌رسد، معنای درست‌تر همان معنای محدود (۱) است. یعنی منظور از این کلمه، شخص حقیقی و فرد انسانی است که تولیدی فکری خلق می‌کند. این تفسیر، با توجه به معنای عادی و طبیعی کلمات "هر کس"، "آفریننده"، و "او [آفریننده آن است]"^{۱۴} به دست می‌آید. در این معنا، کسانی که به طور انفرادی و جمعی مستقیماً در تولید علمی، ادبی یا هنری نقش آفرینی می‌کنند، جای می‌گیرند. اما کسانی مثل ناشران، کارفرمایان و سفارش‌دهندگان و نیز اشخاص حقوقی از قلمرو فقره ج خارج می‌شوند. از سوی دیگر، با توجه به عبارت "تولید علمی"، اشخاص حقیقی که در عرصه علم، به اختراعات و نوآوری‌هایی دست می‌یابند، در قلمرو حمایت این فقره خواهند بود (بر خلاف معنای محدودتر، که فقط شامل آفرینندگان آثار ادبی و هنری می‌شود). معنای محدود، علاوه بر این که معنای ظاهری متن فقره است، با موضوع و هدف میثاق نیز تناسب دارد و مورد تأیید عبارت‌پردازی ماده ۱۵، و سیاق عمومی میثاق هم می‌باشد. سیاق عمومی میثاق، حقوق بشر است که به حقوق افراد انسانی مربوط می‌شود و در صدد حمایت از آحاد بشر است. سیاق خاص ماده ۱۵، حقوق فرهنگی و حق بهره‌مندی از پیشرفت علمی و در نتیجه، آزادی در تحقیق علمی، به بیانی که گذشت، می‌باشد. کار مقدماتی فقره ج و مباحث و اظهار نظرهایی که در خلال تهیه آن صورت گرفته نیز مؤید همین معنای محدود است. این مباحث نشان می‌دهد که از یک سو، فقط اشخاص حقیقی، مورد توجه بوده و از

سوی دیگر، تلقی اکثر نمایندگان، چه در کمیسیون حقوق بشر و چه در کمیته سوم مجمع عمومی، بر این بوده است که آفرینندگان آثار ادبی و هنری و نیز مخترعان، مشمول حمایت می‌باشند. بنابراین، معنای محدودتر (۲) را باید کنار گذاشت، فقط به این دلیل ساده که در صدد است معنایی فنی، ویژه و خاص، به کلمه آفریننده بدهد و آن را به پدیدآورندگان آثار مشمول کپی رایت یا حقوق مؤلفان محدود سازد.^{۱۵} همچنین منحصر شدن معنای این کلمه به اشخاص حقیقی، معنای موسع (۳) را از صحنه خارج می‌کند. و باز ضابطه نقش داشتن در خلق تولید علمی، ادبی یا هنری، معنای وسیع‌تر (۴) را هم از گردونه فقره ج بیرون می‌آورد.

اما آیا کلمه آفریننده در فقره ج شامل ملت‌ها و جوامع بومی هم می‌شود؟ بررسی این مسئله، مجالی وسیع‌تر می‌طلبد. به اختصار باید گفت با آن که اخیراً تلاش‌هایی برای شناسایی حقوق ملت‌های بومی و از جمله حق آنان بر دانش و خلاقیت‌های فکری سنتی صورت گرفته، بر اساس فقره ج بند ۱ ماده ۱۵ میثاق و با توجه به اختصاص کلمه آفریننده در این فقره به اشخاص حقیقی، نمی‌توان این جوامع را در زمره ذی‌نفعان حق مندرج در فقره دانست. دانش بومی ماهیتاً به گونه‌ای است که دستاوردی جمعی است و آفریننده مشخصی ندارد. به نظر می‌رسد حمایت از چنین دانشی لازم نیست با استناد به حق بشری مندرج در فقره ج صورت پذیرد، بلکه مناسب‌تر آن است که در قالب حمایت از حقوق جوامع بومی انجام گیرد.

۲-۳-۲-۱-۲- توليد علمي، ادبي يا هنري

چنان که گذشت ذی‌نفع حق بشری مورد بحث، اشخاص انسانی آفرینش‌گرند. اما این آفرینندگی باید در "تولید" در عرصه "علم"، "ادبیات" یا "هنر" جلوه کند. کلمه "تولید (production)" حاکی از به وجود آوردن، شکل دادن و ساختن است و بنابراین عنصری از خلاقیت و نوآوری در آن وجود دارد. اما علم، ادبیات و هنر، هر یک به تنهایی، مفاهیمی بی‌کرانه‌اند، ولی طرفه آن که کنار هم آمدن این مفاهیم، کمی از بی‌کرانگی آنها می‌کاهد. "علم" در معنای بسیار گسترده آن در مقابل "جهل" و نادانی است و مطلق دانش را در بر می‌گیرد، ولی وقتی تولید علمی در کنار تولید ادبی و تولید هنری قرار می‌گیرد، عقب‌نشینی مفهومی پیدا می‌کند و باید آن را به معنای تولیدی با استفاده از شیوه علوم طبیعی، یعنی "اصول و آیین‌های پی‌گیری نظام‌مند دانش و معرفت که متضمن شناسایی و قالب‌بندی یک مسئله، گردآوری داده‌ها از طریق مشاهده و تجربه و بیان [فرمول‌بندی] و آزمودن فرضیه‌ها" (Webster's New Collegiate Dictionary) دانست. این معنای تولید علمی، به وضوح شامل اختراعات و کشفیات می‌شود و بنابراین دلیلی ندارد به اختراعات منحصر گردد. از این رو تولید علمی، چیزی غیر از تولید ادبی یا هنری است و به همین دلیل، آثار علمی [کتاب و نشریات و

غیره] در زمره تولید ادبی قرار خواهند گرفت.

اما تولید ادبی چیست؟ به طور ساده، تولید ادبی، تولیدی در عرصه ادبیات است. ادبیات، وادی بسیار پهناوری است که در آن، دو دسته بزرگ نثر و نظم جای می‌گیرند. در درون این دو دسته، انواع بی‌شماری به لحاظ سبک و شکل و نیز هدف وجود دارد: رمان، نمایشنامه، داستان کوتاه، مقاله و رساله، زندگی‌نامه، شعر غنایی [غزل]، شعر روایی و شعر حماسی. ادبیات [به لحاظ هدف] ممکن است تعلیمی، آموزنده، سرگرم‌کننده، بازگوکننده شادی یا اندوه شخصی، منعکس‌کننده عقاید دینی، فخر ملی و قهرمان‌پروری یا مدافع دیدگاه خاص سیاسی، اجتماعی یا زیباشناختی باشد (Encyclopedia Americana, vol. 17: 559). البته ادبیات، فقط شامل آثار مکتوب و منتشر شده نمی‌شود و آثار شفاهی را هم در بر می‌گیرد. اما تولید هنری چگونه تولیدی است؟ "هنر" در معنای گسترده، شامل هر "مهارت"^{۱۶} و در نتیجه، در آغوش‌گیرنده تمام رشته‌های خلاق است: ادبیات، شعر، درام، موسیقی، رقص و هنرهای تجسمی [دیداری] (Ibid, vol. 2: 382). اما وقتی تولید هنری در کنار تولید ادبی قرار می‌گیرد، قبض معنایی پیدا می‌کند. در این حالت، با خارج شدن مهارت‌های ادبی، مصداق بارز تولید هنری، تولید در عرصه هنرهای تجسمی و آثار سمعی-بصری خواهد بود، یعنی حوزه‌هایی از خلاقیت هنری که در صدد ایجاد ارتباط عمدتاً از طریق چشم و گوش است (Ibid).

به این ترتیب، آفریننده تولید علمی، ادبی یا هنری که ذی‌نفع حق بشری مندرج در فقره ج بند ۱ ماده ۱۵ میثاق می‌باشد، شخص انسانی است که با به کارگیری توان فکری و هنری، به خلق آثاری در عرصه‌های علم، ادبیات و هنر نایل می‌گردد.

۲-۳-۲- متعلق حق بشری فقره ج بند ۱ ماده ۱۵ میثاق

متعلق حق مندرج در این فقره، بهره‌مند شدن از منافع اخلاقی و مادی ناشی از آفرینش خلاق فکری است. در واقع، حمایت از چنین منافعی، تکلیفی است که حق بشری بر عهده دولت‌های عضو می‌نهد. شناخت مفهوم منافع اخلاقی و مادی با صرف مراجعه به معنای طبیعی و عادی این کلمات، امکان‌پذیر نیست: این مراجعه چه بسا به ابهام این عبارت افزوده یا به معنایی بیهوده بینجامد. از این رو، لازم است این عبارت در سیاق عمومی فقره ج که همان منظومه حقوقی مالکیت معنوی است، تفسیر شود. بازگشت به کار مقدماتی این فقره، حتی به همان میزانی که نقل کردیم، مؤید آن است که تدوین‌کنندگان فقره، آن را در دستگاه مفهومی و میدان معنایی نظام مالکیت معنوی مورد توجه قرار داده بودند. بنابراین، هر چند عبارت‌پردازی فقره ج، دقیقاً همان اصطلاحات معروف در نظام حقوقی مالکیت معنوی نیست، چرا که از کلمه "منافع" و نه "حق" و وصف "مادی" به جای

"اقتصادی" استفاده می‌کند، عبارت "منافع اخلاقی و مادی" را باید همان عبارت آشنای "حقوق اخلاقی و اقتصادی" در نظام مالکیت معنوی دانست.^{۱۷} با آن که عبارت "حقوق اقتصادی" در مورد تمام موضوعات مالکیت معنوی به کار می‌رود، عبارت ترکیبی "حقوق اخلاقی و حقوق اقتصادی" در نظام و ادبیات کنونی مالکیت معنوی، در خصوص کپی رایت/حقوق مؤلفان رایج است. بحث در خصوص این دو دسته از حق‌ها خارج از قلمرو محدود این نوشته است. در این جا به همین مقدار اکتفا می‌کنیم که حقوق اخلاقی از شخصیت پدیدآورنده و تمامیت اثر وی حمایت می‌کند. اما اثری که پدیدآور می‌آفریند، علاوه بر این که تجلی افکار و اندیشه‌های اوست و بدان وسیله به مبادله فکری دست می‌یازد، چنان که با اقبال بازار رو به رو شود، منافع مادی هم برای او به دنبال خواهد داشت. این منافع مادی، با حقوق اقتصادی مورد حمایت قرار می‌گیرد. از این رو، پدیدآورنده دارای منافع مادی در اثر و کار خلاق خویش است.

بنابراین، متعلق حمایت موضوع فقره ج بند ۱ ماده ۱۵ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حداقلی از منافع اخلاقی و مادی است که به طور کلی مورد قبول نظام‌های داخلی و بین‌المللی مالکیت معنوی می‌باشد.

۲-۳-۳- محتوای حمایت

محتوای تعهد دولت‌ها در خصوص ماده ۱۵، با مجموعه‌ای از تعهدات کلی مندرج در بند ۱ ماده ۲ و تعهدات خاص مقرر در بندهای ۲، ۳، و ۴ خود ماده ۱۵ تعیین می‌شود. بنابراین، به طور کلی دولت‌های عضو میثاق متعهدند اقداماتی متناسب با منابعی که در اختیار دارند در مسیر تحقق کامل ماده ۱۵ انجام دهند. به علاوه، آنها متعهد به اتخاذ تدابیر و اقدامات خاصی‌اند که در بندهای یاد شده آمده است.

تحلیل محتوای تعهد مربوط به ماده ۱۵ نیازمند ذکر چند نکته مهم است:

۱- ماده ۱۵ حاوی حق‌هایی است که پیوندی ناگسستنی با یکدیگر دارند. حق مشارکت در حیات فرهنگی مذکور در فقره (الف) با حق انتفاع از پیشرفت علمی و کاربردهای آن (ب) و این هر دو با حمایت از مالکیت معنوی (ج) مرتبط‌اند. از این رو اشاره بند ۲ به حق‌های فوق در قالب یک حق، چندان بی‌راه نیست. حق مشارکت در حیات فرهنگی شرط لازم و زمینه‌ساز پیدایش خلاقیت‌ها و آفرینش‌های فکری موضوع مالکیت معنوی است. این حق از یک سو، پدیدآورندگان آثار فرهنگی را مطمئن می‌سازد که مشارکت فعال آنان در خلق و عرضه آفرینش‌های فکری با موانعی روبه‌رو نخواهد بود و عواقب ناگواری چون پی‌گرد، آزار و اذیت و مجازات و تنبیه در پی نخواهد داشت. این تضمین و اطمینان، عامل تشویق و ترغیب به تولید محصولات فکری است و

بدون این تضمین، فقط کسانی از هنرمندان و خالقان سایر آثار فرهنگی به چنین کاری مبادرت می‌ورزند که همسو با منافع صاحبان قدرت و سرمایه، حرکت کنند. از سوی دیگر، وجه انفعالی این حق، مخاطبان آثار ادبی و هنری را در برابر ممانعت دولت و اشخاص دیگر از دسترسی به نتایج این فعالیت‌های خلاق حراست می‌کند و به این ترتیب تضمین‌کننده "جامعه‌ای از استفاده‌کنندگان" از آثار مشمول مالکیت معنوی است. این کارکرد برای حق مشارکت در حیات فرهنگی موجب رونق بازار پدیدآورندگان این آثار و مشوق خلاقیت بیشتر و تولید فزون‌تر است. همین کارکرد را حق مندرج در بند (الف) در خصوص حق اختراع ایفا می‌کند. از این حیث، بند ۳ ماده ۱۵ مفهوم واقعی خود را در ارتباط با حق‌های بند ۱ پیدا می‌کند. پژوهش علمی و فعالیت خلاق مستلزم وجود آزادی است. این آزادی، در سمت استفاده‌کنندگان و بهره‌بران از پژوهش علمی و فعالیت خلاق، با فقره‌های (الف) و (ب) تضمین شده است و در سمت آفرینندگان و تولیدکنندگان، با بند ۳ مورد حمایت قرار گرفته است. بندهای ۲ و ۴ در حقیقت تبیین و توسعه همین آزادی است. بنابراین، سه حق موضوع بند ۱ ماده ۱۵ میثاق را باید در کنار هم و دارای پیوندی اندامی با یکدیگر نگریست.

۲- در بند ۱ ماده ۱۵ حق مشارکت در زندگی و حیات فرهنگی توجه بیشتری را در کمیته به خود جلب کرده است. نگاهی به رهنمودهای کمیته، به خوبی مبین این نکته است. در رهنمودهای کمیته بر سه عنصر تأکید شده است: گسترش فرهنگ، دسترسی همگان به اطلاعات و نتایج فعالیت خلاق فکری و آزادی فعالیت‌های ادبی و هنری. بررسی رویه کمیته در ارزیابی گزارش کشورهای حاکی از اهتمام کمیته به این سه مقوله است (Keefe: 907). کمیته به مسئله ایجاد و نگهداری زیرساخت نهادی که بدون آن حق مشارکت در فرهنگ بی‌معناست، اهمیت بسیار داده است. همچنین، حمایت مالی از سازمان‌های خصوصی و افراد برای انجام فعالیت‌های خلاق مورد تشویق قرار گرفته است. اما صرف تأسیس و حفظ زیرساخت لازم برای زندگی فرهنگی در معنای سنتی آن کافی دانسته نشده است. حق مشارکت در زندگی فرهنگی، به معنای در دسترس قرار دادن محصول فعالیت‌های فرهنگی برای بیش‌ترین تعداد مخاطبان است (Revised Guidelines, para 1(b)). جالب است که در خصوص دسترسی به این فعالیت‌ها، از دولت‌های عضو خواسته شده است بر موانع ارتباطی که دسترسی و بهره‌مندی از حیات فرهنگی را مختل می‌سازد فایق آمده، برنامه‌های فرهنگی و ادبیات را به زبان‌های بومی که به طور گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد در اختیار بگذارند. (Ibid, paras 30-31). در نظر کلی شماره ۵ کمیته هم مواردی وجود دارد که به ماده ۱۵ مربوط می‌شود: تولید "کتاب‌های گویا" برای نابینایان و تئاتر لب‌خوانی برای ناشنویان و اقدامات مفید در جهت کمک به اشخاصی که در بهره‌مندی از حق مندرج در ماده ۱۵ ناتوانایی‌هایی دارند، توصیه شده است

(General Comment No. 5, para 37). همچنین در نظر کلی شماره ۶ کمیته، رهنمودها و نظرکلی شماره ۵، به موارد دیگری اشاره شده است، مانند: مساعدت دولت‌ها به اشخاص دارای ناتوانی جسمی و نیز افراد مسن جهت مشارکت در زندگی فرهنگی از طریق مثلاً افزایش امکان دسترسی فیزیکی به اماکن فرهنگی با ساخت شیب راه‌ها، آسانسورها و امثال آن و ایجاد محل‌های تماشا و اماکن مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی. (General Comment No. 6, para. 40; Revised Guidelines, para 1(f); General Comment No. 5, para 36) اما در بند ۳ رهنمودهای کمیته به دولت‌های عضو، در آن چه به ماده ۱۵ مربوط می‌شود، فضای نسبتاً اندکی به فقره (ج) بند ۱، یعنی فقره مالکیت معنوی میثاق، اختصاص یافته است. در این فضای اندک، از دولت‌ها خواسته شده است در گزارش‌هایی که از روند اجرای میثاق ارائه می‌کنند به "توصیف اقدامات تقنینی و غیره که برای تحقق حق همگان نسبت به بهره‌مندی از حمایت از منافع اخلاقی و مادی ناشی از تولید علمی، ادبی یا هنری که آفریننده آن هستند" پردازند.

در این زمینه، کمیته به طور خاص دو اقدام را ذکر می‌کند: «اقدامات عملی برای اجرای کامل این حق، از جمله فراهم ساختن شرایط ضروری برای فعالیت‌های علمی، ادبی و هنری و حمایت از حقوق مالکیت معنوی ناشی از این فعالیت‌ها». این جایگاه نحیف برای مالکیت معنوی، چه در رهنمودهای کمیته و چه در طرز برخورد آن با گزارش دولت‌ها، ناشی از چیست؟ پاسخ خوش‌بینانه‌ای که می‌توان در این مرحله به این سؤال داد این است که کمیته به این حقیقت واقف بوده که کشورهای عضو حداقلی از حمایت از حقوق مالکیت معنوی را پذیرفته و به اجرا می‌نهند و بنابراین، کمیته نیازی به واریسی گزارش دولت‌های عضو یا ارائه رهنمودهای دقیق تر ناظر بر محتوای چنین حمایتی ندیده است. از سوی دیگر در آثار مربوط به میثاق، بحثی جز اشاره‌وار محتوای این حمایت به چشم نمی‌خورد. در هر صورت، آن چه از همین مختصر فضای اختصاص یافته به فقره ج بند ۱ ماده ۱۵ میثاق در رهنمودهای کمیته بر می‌آید این است که دولت‌های عضو، علاوه بر تعهدات کلی مربوط به اجرای کل میثاق، دو تعهد خاص در زمینه این فقره به عهده دارند: فراهم ساختن شرایط لازم برای فعالیت‌های علمی، ادبی و هنری و حمایت از مالکیت معنوی. اما ابهام زیادی در این دو تعهد وجود دارد. از این رو لازم است در نکته بعدی کمی در رفع این ابهام بکوشیم.

۳- شناسایی حق همگان به بهره‌مندی از حمایت از منافع اخلاقی و مادی ناشی از تولید علمی، ادبی و هنری آنان، همانند هر حق بشری دیگر، سه سطح به هم مرتبط از تعهد بر دوش دولت‌های عضو میثاق می‌نهد. این سه لایه از تعهد، در رویه کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در نظرهای کلی مربوط به تبیین حق‌های مندرج در میثاق مورد استفاده قرار گرفته است. با

توجه به این الگو، می‌توان به ترسیم تعهد دولت‌ها بر اساس فقره ج بند ۱ مورد بحث پرداخت.

الف - تعهد به احترام: ابتدایی‌ترین تکلیف دولت‌های عضو میثاق بر اساس فقره ج، خودداری از مداخله و ایجاد مانع نسبت به بهره‌مند شدن خالقان آثار و تولیدات علمی، ادبی و هنری از منافع اخلاقی و مادی ناشی از کار خلاق خویش است. تکلیف به احترام در خصوص هر دو دسته از حقوق اخلاقی و اقتصادی شناخته شده در نظام‌های حقوقی مالکیت معنوی جریان می‌یابد. به این ترتیب، وقتی سخن از تعهد دولت‌ها به احترام به حقوق اخلاقی و مادی خالقان آثار علمی، ادبی و هنری، اعم از نویسندگان، هنرمندان و مخترعان می‌رود، این دو نوع از حقوق در حصار از حفاظت قانونی قرار می‌گیرد. این سطح از تعهد، به معنای خویشتن‌داری، خودداری، اجتناب و پرهیز از انجام اعمالی است که توان‌مندی دارنده حق را در بهره‌مند شدن و اعمال حق متأثر می‌سازد. مداخله در برخوردارگی از حق شود اعم از اعمال مستقیم و غیرمستقیم است. بنابراین، احترام به حقوق اخلاقی پدیدآورندگان و مخترعان مستلزم آن است که اقداماتی که مانع ادعای آفرینندگی و پدیدآورندگی آثار و تولید علمی و اعتراض به تحریف، دستکاری یا هرگونه جرح و تعدیل این آثار که وهن‌آمیز بوده و به حیثیت و اعتبار تولیدکنندگان آنها لطمه می‌زند، صورت نگیرد. احترام به حقوق مادی هنرمندان، نویسندگان و مخترعان هم لازم می‌دارد که آنان بدون مانع از نتایج مادی اشتغال به فعالیت آزاد خلاق و علمی بهره‌مند شوند و از این راه به تأمین سطحی کافی از معیشت بپردازند. محروم ساختن مستقیم دارندگان حق حمایت از مالکیت معنوی‌گاه با عدم تصویب قوانین لازم و پیش‌بینی حمایت مؤثر صورت می‌گیرد و گاه با عدم اجرای چنین قوانینی با استفاده از دستگاه‌های اداری، قضایی و اجرایی. اما مداخله غیرمستقیم در بهره‌مندی از حقوق مالکیت معنوی می‌تواند از جمله با تصویب قوانین و مقررات سخت و دست و پاگیر و تحمیل هزینه‌های سنگین و تشریفات پیچیده در زمینه ثبت آثار علمی، مجوز نشر، ثبت اختراع و غیره بروز کند. ایجاد تبعیض یا سایر تنگناها و محدودیت‌های ناروا برای پدیدآورندگان و مخترعانی که در پی احقاق حق نقض شده خویش در مراجع اداری یا قضایی برآمده و منافع اخلاقی و مادی خود را مطالبه می‌کنند نیز با تکلیف به احترام منافات دارد. اصل و قاعده اولیه‌ای که از این فقره استخراج می‌شود اقتضا می‌کند که در جهت احترام به حقوق اخلاقی و اقتصادی خالقان تولید علمی، ادبی و هنری، دولت‌های عضو نباید بدون اجازه آنان در این تولید تصرف کنند. این قاعده اقتضا می‌کند که در صورت نقض حقوق مالکیت معنوی توسط دولت و از طریق دخالت و تصرف بدون اذن، دارنده حق مستحق جبران خسارت کافی خواهد بود.

ب - تعهد به حمایت: دولت‌ها موظف‌اند از منافع اخلاقی و مادی ناشی از تولید علمی، ادبی و

هنری حمایت مؤثری به عمل آورند و صاحبان چنین تولیدی را در برابر نقض حقوق ایشان مورد حمایت قرار دهند. تأمین این حمایت مؤثر به مجموعه‌ای از ابزارهای تقنینی، اداری، قضایی و اجرایی نیاز دارد. اما آن چه اهمیت دارد سطح و میزان این حمایت است. هنگامی که حمایت از حقوق مالکیت معنوی به عنوان حقی بشری و بر اساس فقره ج بند ۱ میثاق مطرح می‌شود، تعیین این سطح نمی‌تواند فارغ از سایر حق‌ها و مقررات میثاق صورت پذیرد.

ج - تعهد به ایفا: این سطح از تعهد در برگیرنده مجموعه‌ای جامع از اقدامات مداخله‌ای است که نیازمند اقدام و عمل دولت است. بعد ایجابی حقوق بشر در واقع با همین سطح از تعهد به نمایش گذاشته می‌شود. دولت‌ها در تحقق حقوق بشر ناگزیر از تحمل هزینه‌ها و اتخاذ اقدامات ایجابی هستند. اما این اقدامات در زمینه حق هنرمندان، مؤلفان و مخترعان نسبت به حقوق اخلاقی و مادی ناشی از تولید ذریبیط آنان شامل چه اقداماتی می‌شود؟ به نظر می‌رسد علاوه بر اقدامات تأمین‌گر که نوعاً خصلت تقنینی، اداری، اجرایی، قضایی و غیره دارد، اقداماتی از جنس نهادسازی را باید مورد توجه قرار داد. به علاوه، وجود نهادهای مدنی مثل اتحادیه‌های صنفی و انجمن‌های حرفه‌ای برای حراست از حقوق مالکیت معنوی امری لازم برای برخورداری مؤثر از این حقوق می‌باشد. باز در زمره اقدامات لازم که زمینه‌ساز تحقق حقوق مالکیت معنوی است، اقدامات ترویجی می‌باشد که از طریق آموزش و فعالیت‌های اطلاع‌رسانی صورت می‌گیرد. مشارکت دادن جامعه هنرمندان، نویسندگان و مخترعان در فرایند تصمیم‌سازی مهم که حقوق آنان را متأثر می‌سازد و مشورت کردن با آنان یا نمایندگان یا اتحادیه‌ها و انجمن‌های صنفی آنان در وضع قوانین و اتخاذ تدابیری که به نحوی بر منافع آنان تأثیر می‌نهد، بخش دیگری از اقدامات ضروری در جهت تعهد به ایفا خواهد بود. انتشار قوانین و مقررات و در دسترس قرار دادن اطلاعات لازم هم ضرورت دارد. هدف از اقدامات ترویجی، ایجاد تغییر در ذهنیت عموم در خصوص یک مسئله یا موضوع است. چنان چه در جامعه‌ای باور نادرستی در مورد حقوق خالقان آثار و تولیدات علمی، ادبی و هنری وجود داشته باشد، ترویج این حقوق و تصحیح فهم و برداشت عموم، کمک زیادی به شناسایی و رعایت آن از سوی عاملان غیردولتی می‌کند (Steiner & Alston: 184).

۴- پس از روشن ساختن ابعاد سه‌گانه تعهد دولت‌های عضو میثاق در قبال حق هنرمندان، نویسندگان و مخترعان به بهره‌مندی از منافع ناشی از تولید علمی، ادبی و هنری که پدید می‌آورند، باید گفت در شناسایی دامنه این تعهد نمی‌توان فقره ج بند ۱ ماده ۱۵ میثاق را به صورتی مجزا و منفک از کل میثاق و نیز کل مجموعه حقوق بین‌المللی بشر مورد توجه قرار داد. این فقره، جزء کوچکی از کلیتی بسیار بزرگ را تشکیل می‌دهد که اجزای آن در پیوند با هم معنا و مفهوم پیدا می‌کنند.

نگرش منفرد به هر حق بشری مندرج در میثاق یا حق دیگر شناسایی شده در نظام حقوق بشر، به منزله آن است که حقوق بشر فقط از همان حق واحد تشکیل شده است. نظام بین‌المللی حقوق بشر متشکل از حق‌هایی است که نمی‌توان مستقل از یکدیگر پنداشت. از این رو، حق مالکیت معنوی مندرج در فقره ج را نمی‌توان بدون توجه به حق مشارکت در زندگی فرهنگی و حق بهره‌مندی از پیشرفت علمی و کاربردهای آن که در فقره‌های الف و ب ماده ۱۵ مورد شناسایی قرار گرفته در نظر گرفت و مجموعه این حق‌ها را باید در درون شبکه حق‌های شناخته شده در میثاق و همین شبکه را در شبکه بزرگ‌تر حقوق بشر مقرر در منشور بین‌المللی حقوق بشر بررسی کرد. این نکته اختصاصی به حق معینی ندارد و نسبت به تک تک حق‌ها صدق می‌کند. مفهوم وابستگی و ارتباط متقابل حق‌ها در واقع از همان ابتدای طرح بین‌المللی حقوق بشر در درون این نظام تعبیه شده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر حاوی انواع حقوق بشر مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است و "آمیخته‌ای منحصر به فرد از حق‌هایی است که بیش‌ترین اختلاف را با یکدیگر دارند" (Tomuschat, 2003: 29)^{۱۸} و همین مجموعه را "دستاورد مشترک همه ملت‌ها" معرفی می‌کند. از همان آغاز دهه ۱۹۵۰ که دو میثاق بین‌المللی در حال تدوین بود، کل مجموعه حق‌ها، "به هم مرتبط و همبسته" تلقی می‌گردید.^{۱۹} و بالاخره اعلامیه ۱۹۹۳ وین می‌گوید که "تمام حق‌های بشری، جهان شمول، جدایی‌ناپذیر، به هم وابسته و به هم مرتبط‌اند. جامعه بین‌المللی باید حقوق بشر را در سطح جهانی به گونه‌ای منصفانه، برابر و هم پای هم و با تأکید یکسان بنگرد."^{۲۰}

نتیجه‌گیری

حقوق مالکیت معنوی در نظام بین‌المللی حقوق بشر مورد شناسایی قرار گرفته، اما تاکنون در رویه حقوق بشر توجه چندانی به تبیین جایگاه آن نشده است. در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حق بهره‌مندی از حمایت از منافع اخلاقی و مادی ناشی از تولید علمی، ادبی یا هنری که فرد آفریننده آن است در کنار دو حق دیگر یعنی حق مشارکت در حیات فرهنگی و حق بهره‌مندی از منافع پیشرفت علمی و کاربردهای آن ذکر شده است. قرار گرفتن حقوق مالکیت معنوی در کنار این دو حق، گویای ارتباط وثیق میان آنهاست. حق مشارکت در حیات فرهنگی متضمن حق بهره‌مندی از خلاقیت‌های فرهنگی و استفاده از آفرینش‌های فکری است که دیگران تولید و عرضه می‌کنند. این حق همچنین به معنای آزادی در فعالیت‌های خلاق فرهنگی است. این مشارکت دو چهره، نقشی اساسی در توسعه شخصیت انسان و رشد و شکوفایی قابلیت‌ها و توانایی‌های فردی دارد. از این رو، حق مشارکت در حیات فرهنگی دولت‌ها را ملزم

می‌دارد امکان دسترسی افراد به تولیدات فکری و نیز شرایط لازم برای تشویق این خلاقیت‌ها را فراهم سازند.

حق بهره‌مندی از منافع پیشرفت علمی و کاربردهای آن به عنوان حقی بشری اقتضا می‌کند هر انسانی از مزایا، منافع و تسهیلاتی که پیشرفت‌های علمی در حل مشکلات، مبارزه با بیماری‌ها و ارتقای سطح زندگی در اختیار می‌گذارد، بهره‌مند شود. اما از آن جا که پیشرفت علمی نیازمند فضای آزاد تحقیق و پژوهش و انگیزه لازم است، دولت‌ها ملزم به محترم داشتن آزاد گریزناپذیر برای تحقیقات علمی و ایجاد شرایط ضروری برای فعالیت خلاق می‌باشند. بنابراین، دو حقی که در کنار حقوق مالکیت معنوی در نظام بین‌المللی حقوق بشر مورد شناسایی قرار گرفته‌اند، هم محدودکننده و هم تقویت‌کننده این حقوق می‌باشند. اما شناسایی مستقل حق همگان به برخورداری از حمایت از منافع اخلاقی و مادی ناشی از تولید علمی، ادبی یا هنری تعهدات گوناگونی بر دوش دولت‌ها می‌نهد. ابتدایی‌ترین تعهد دولت‌ها در این خصوص، خودداری از مداخله در بهره‌مند شدن خالقان آثار و تولیدات علمی، ادبی و هنری از منافع یاد شده می‌باشد. حمایت از آفرینندگان چنین تولیداتی در برابر نقض حقوق آنان با استفاده از ابزارهای تقنینی، اداری، قضایی و اجرایی بعد دیگر تعهدات دولت‌هاست.

1- International Bill of Rights

2- jus cogens

۳- البته در بند ۲ ماده ۱۵ میثاق از مجموع آن چه در بند یک ذکر شده با عبارت "این حق" به صورت مفرد یاد می‌کند که شاید در بحث از محتوا و قلمرو هر یک از اجزای مذکور در بند ۱ مورد استفاده قرار گیرد.

4- culture

5- expressive

6- high culture

7- lifestyle

۸- در مورد این ابعاد و پیامدها از جمله رک:

Ragnar Adalsteinsson and Pall Thorhallson, *op. cit.*; Roger O'Keefe, *op. cit.*; H. Niec, Human Right to Culture, 44 *Year Book of the AAA* 109 (1974); B. Boutros-Ghali, Droit a la culture et la declaration universelle des droits de l'homme, 24 *Rev. Egyptienne de droit international* 67 (1968); G. Melander, Article 27, in A. Eide *et al.* (Eds.), *The UDHR: A Commentary*, 1992; R. Stavenhagen, Cultural Rights and Universal Human Rights, in A. Eide, C. Krause and A. Rosas (Eds.), *Economic, Social and Cultural Rights: A Textbook*, 1995.

۹- در خصوص این نتیجه‌گیری می‌توان به رهنمودهای کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استناد کرد (رک:

Committee on Economic, Social and Cultural Rights, Revised general guidelines)

۱۰- در مورد مسائل محتوایی و شکلی مربوط به این گزارش‌ها ر.ک: بخش چهارم میثاق و در مورد اهداف این

گزارش‌ها ر.ک: به نظر کلی شماره ۱ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۸۹).

۱۱- شاید بی‌ارتباط نباشد که به عنوان تأییدی بر تأثیر فضای گفتگویی بر استفاده از اصطلاح‌ها در اسناد رسمی بین‌المللی

گفته شود که در منشور حقوق بنیادین اروپا که در سال ۲۰۰۰ به تصویب رسیده در ماده ۱۴ به صراحت آمده است که "مالکیت معنوی باید مورد حمایت قرار گیرد".

۱۲- «تفسیر معاهده، فعالیت عقالنی است که به منظور فهم صحیح معاهده و روشن کردن مفهوم و تعیین دامنه آن صورت می‌گیرد. تفسیر، طبعی اعلامی دارد و غرض از آن استنباط مفاهیم موجود در متن است» (فلسفی، ۱۳۷۹: ۴۳۲).

۱۳- در آثار فارسی، این کلمه به "مؤلف" ترجمه شده است و روشن است که منظور از مؤلف فقط نویسنده یا کسی که نسبت به امر جمع کردن، جمع نمودن با ترتیب و معمولاً نوشتن کتابی که در آن از چند کتاب دیگر، مطالب مختلف استخراج نموده، اقدام می‌نماید (لغت نامه دهخدا، ذیل کلمه تألیف و تصنیف، ص ۵۸۵)، بلکه "در واقع، تألیف مساوی خلق است ... تألیف فقط این نیست که مسایلی متحدالموضوع را جمع آوری کرده و تحت شکل و صورت خاصی تلفیق و تنظیم نمایند. این یک نوع از تألیف است. تألیف انواع و اقسام دیگری هم دارد؛ مثلاً شاعری، نقاشی، آهنگسازی، مجسمه‌سازی، فیلم برداری و غیره" (باهری، ۱۳۳۳: ۴۵۹ نقل شده: در آیتی، ۱۳۷۵: ۹۰).

14- "... of which *he* is the author." (emphasis added).

۱۵- البته ذکر این نکته لازم است که در نظام حقوقی مالکیت معنوی، اعم از داخلی و بین‌المللی، اصطلاح author به ذی‌نفع اولیه کپی رایت/حقوق مؤلفان اطلاق می‌شود. اما این که "آفرینندگی چیست و "آفریننده" چه کسی است، ابهام زیادی در این نظام وجود دارد. بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری، فقط فهرستی غیرحصری از آثار مشمول حمایت ارائه می‌کند، بی آن که به طور مستقیم به تعریف آفریننده بپردازد. در بند ۱ ماده ۱۵ آمده است: برای آن که کسی "آفریننده" اثر ادبی یا هنری، قلمداد شود، "کافی است که نام او به طور متعارف بر روی اثر ظاهر شود". اما آن چه از کنوانسیون بر می‌آید این است که مقصود از آفریننده، اصالتاً و اولاً، اشخاص حقیقی است، و تنها در مورد اثر سینمایی (بند ۲ ماده ۱۵)، از شخص حقوقی در کنار شخص حقیقی نام می‌برد و در مورد آثار گمنام و مستعار (بند ۳ همان ماده) از ناشر که نام او بر روی اثر ظاهر می‌شود یاد می‌کند، آن هم نه به عنوان آفریننده بلکه به عنوان نماینده او و حمایت‌کننده و اجراکننده حقوق وی. بعضی از نویسندگان در مورد قوانین ملی هم چنین نظری دارند (رک: Ricketson, 1991; Dietz, 1993; Ginsburg, 2003).

۱۶- کلمه art از کلمه لاتین ars به معنای مهارت skill گرفته شده است.

۱۷- البته این تنها نابسامانی در فقره ج نیست. در واقع، این فقره با استفاده از عبارت author و نیز "منافع اخلاقی" موهم اختصاص حق مندرج در آن به پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری است. از دیگر سو، استفاده از عبارت "تولید علمی"، با تفسیری که در بالا ارائه کردیم، مخترعان و نوآوران عرصه علم را هم در بر می‌گیرد.

18- Christian Tomuschat, *Human Rights: Between Idealism and Realism*, Oxford, 2003, p. 29.

19- UN Doc. A/2929 (1955), chap. II, para. 7, quoted in Philip Alston, *Economic and Social Rights*, 26 *Stud. Transnat.* 137 (1994), at 148.

20- Vienna Declaration and Program of Action, 1993, available at: <http://www.unhcr>

منابع

۱- آیتی، حمید، حقوق آفرینش‌های فکری، نشر حقوقدان، ۱۳۷۵.

۲- باهری، محمد، «صیانت حقوق مؤلف»، مجله سخن، دوره پنجم، شماره ۶، تیرماه ۱۳۳۳.

٣- فلسفي، هدايت الله، حقوق بين الملل معاهدات، نشر نو، ١٣٧٩.

- 4- Adalsteinsson, Ragnar and Thorhallson, Pall, “**Article 27**”, in: The Universal Declaration of Human Rights: A Common Standard of Achievement, Gudmundur Alfredsson and Asbjorn Eide (eds.), Martinus Nijhoff, 1999.
- 5- Brownlie, I. (ed.), **Basic Documents on Human Rights**, 3rd ed., Oxford, 1992; Rebecca M. Wallace, **International Human Rights: Text and Materials**, 2nd ed., Sweet & Maxwell, 2001.
- 6- Committee on Economic, **Social and Cultural Rights**, Revised general guidelines regarding the form and contents of reports to be submitted by states parties under articles 16 and 17 of the **International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights**: 17/06/91. E/C. 12/1991/1.
- 7- Craven, Matthew, **the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights: A Perspective on its Development**, Oxford, 1998.
- 8- Dietz, Adolf, *the Concept of Authorship under the Berne Convention*, 155 RIDA 3, 1993.
- 9- **Encyclopedia Americana**, vol. 8, Americana Corporation, 1975.
- 10- **Encyclopedia Britannica**, vol. V, University of Chicago, 1976.
- 11- General Comment No. 5, E/1994/22, Annex IV, 1994.
- 12- Ginsburg, Gane C., *the Concept of Authorship in Comparative Copyright Law*, 52 DePaul L. Rev. 1063. 2003.
- 13- Green, Maria, *«Drafting History of the Article»* 15 (1) (c) of the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, Background Paper, Committee on Economic, Social and Cultural rights, 24th session, Geneva, 13 November-1 December 2000.
- 14- Hannum, Hurst, *«The Status of the Universal Declaration of Human Rights in National and International Law»*, 25 Ga. J. Int'l & Comp. L. 287. 1996.
- 15- Humphrey, John, *«the International Bill of Rights»*: Scope and Implementation, 17 Wm. & Mary L. Rev. 527, 529, 1976.
- 16- O’Keefe, Roger, the “*Right to Take Part in Cultural Life*” under Article 15 of the ICESCR, 47 ICLQ 904, 1998.
- 17- Ricketson, Sam, *People or Machines?* The Berne Convention and the Changing Concept of Authorship, 16 Colum.-VLA J. L. & Arts 1, 1991.
- 18- Simma, Bruno and Alston, Philip, *the Sources of Human Rights Law: Custom, Jus Cogens, and General Principles*, 12 Aust. YBIL 82 (1988-1989).
- 19- Sohn, Louis B., *The Human Rights Law of the Charter*, 12 Tex. Int'l L.J. 129, 133 1977.
- 20- Steiner, Henry J. and Alston, Philip, **International Human Rights in Context: Law, Politics, Morals**, 2nd Ed., Oxford, 2000.
- 21- **Tomuschat, Christian, Human Rights: Between Idealism and Realism**, Oxford, 2003.
- 22- UNESCO Recommendation on Participation by the People at Large in Cultural Life and Their Contribution to It (November 26, 1976), Records of the General Conference, Nineteenth Session, Nairobi, 26 October to 30 November, Annex I. 1976.
- 23- UNESCO Universal Declaration on Cultural Diversity, 2002, available at http://www.unesco.org/education/imld_2002/universal_decla.shtml. (Last visited 6) Feb. 2005.
- 24- Webster’s New Collegiate *Dictionary*